



## The Analysis of the Process of Adopting the Idea of Nationalizing Iran's Oil Industry into the Policy Agenda Based on Kingdon's Multiple Streams Framework

Saba Gholiniasorkhi\*

Ali khajeh Naieni\*\*

### Abstract

As a strategic resource, oil plays a pivotal role in a nation's economic and political power. The nationalization of Iran's oil industry in the 1950s stands as one of the most significant political and economic transformations of that era. This research investigates how the idea of nationalizing Iran's oil industry was introduced to the agenda and analyzes the factors influencing this process, utilizing Kingdon's Multiple Streams Framework as a theoretical lens. The study employs a qualitative research approach and a case study methodology. The research hypothesis posits that the convergence of problem, political, and policy streams led to the nationalization of Iran's oil industry. The findings reveal that the intersection of three key streams—the problem stream (such as the inequitable exploitation of oil resources), the political stream (including the role of the National Front), and the policy stream (encompassing the stages of solution proposal and law enactment)—as well as the mediating role of policy entrepreneurs like Mohammad Mosaddegh, culminated in the passage of the nationalization law. This study underscores the significance of applying Kingdon's theory to analyze complex policymaking processes and policy changes within the context of historical developments. It also contributes to a deeper understanding of the interactions between various streams.

**Keywords:** Iranian Oil Nationalization, Kingdon's Framework, Policy Entrepreneur, Policy Window.

\* Master's student in Public Policy, Allameh Tabatabai University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

sabagholinia225@gmail.com

0009-0002-8811-272X

\*\* Assistant Professor, Department of Political Economy and Public Policy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, I.R.Iran.

naieniali@atu.ac.ir

0009-0007-5083-9487



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دو فصلنامه علمی «دانش سیاسی»، مقاله پژوهشی، سال بیستم و یکم، شماره دوم (پیاپی ۴۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، صص. ۴۵۱-۴۷۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

مقاله برای بازنگری به مدت ۲۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

## تحلیل فرایند ورود ایده ملی شدن صنعت نفت ایران به دستور کار بر اساس نظریه جریان‌ات چندگانه کینگدان

صبا قلی نیاسرخي\* علی خواجه نائینی\*\*


### چکیده

نفت به عنوان منبعی راهبردی، نقش محوری در قدرت اقتصادی و سیاسی کشورها ایفا می‌کند. ملی شدن صنعت نفت ایران در دهه ۱۹۵۰ میلادی، یکی از تحولات برجسته سیاسی و اقتصادی آن دوره است. هدف این پژوهش بررسی چگونگی ورود ایده قانون ملی شدن صنعت نفت ایران به دستور کار و تحلیل عوامل مؤثر بر این فرایند با استفاده از چهارچوب نظری جریان‌ات چندگانه کینگدان است. پژوهش با استفاده از تحلیل کیفی و روش مطالعه موردی انجام شده است. فرضیه پژوهش این است که پیوست جریان‌ات مشکل، سیاسی و سیاتی منجر به ملی شدن صنعت نفت ایران گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که تلاقی سه جریان کلیدی یعنی جریان مشکل (مانند بهره‌برداری ناعادلانه از منابع نفتی)، جریان سیاسی (مانند نقش جبهه ملی) و جریان سیاستی (که مراحل ارائه راه‌حل و تصویب قانون را شامل می‌شود) و همچنین نقش میانجی‌گری کارآفرینان سیاستی از جمله محمد مصدق و حسین فاطمی منجر به تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت شد. این مطالعه بر اهمیت کاربرد نظریه کینگدان در تحلیل فرایندهای پیچیده سیاست‌گذاری و تغییرات سیاستی در بستر تحولات تاریخی تأکید می‌کند و به درک بهتر تعاملات بین جریان‌ات مختلف کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: ملی شدن صنعت نفت ایران، نظریه جریان‌ات چندگانه کینگدان، کارآفرین سیاستی، پنجره فرصت.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد سیاست‌گذاری عمومی، گروه سیاست‌گذاری عمومی و اقتصاد سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

sabagholinia225@gmail.com

 0009-0002-8811-272X

\*\* استادیار سیاست‌گذاری عمومی، گروه سیاست‌گذاری عمومی و اقتصاد سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی،

تهران، جمهوری اسلامی ایران.

naieniali@atu.ac.ir

 0009-0007-5083-9487

## مقدمه

**بیان مسئله:** یکی از مسائل برجسته در تاریخ سیاست‌گذاری ایران، فرایند ملی‌شدن صنعت نفت است که علاوه بر تأثیرات عمیق اقتصادی، به نمادی از مقاومت در برابر نفوذ خارجی و تلاش برای دستیابی به استقلال اقتصادی تبدیل شده است. نهضت ملی‌شدن صنعت نفت نتیجه مبارزات و پیوند گسترده گروه‌ها، احزاب و نیروهای سیاسی — اجتماعی بود که با حمایت از به قدرت رسیدن دکتر مصدق، در پی تحقق آرمان‌هایی چون «حاکمیت ملی» و «استقلال» بودند (صابری و شیخ نوری، ۱۳۹۱، ص. ۲). باین حال، فرایند ورود ایده ملی‌شدن صنعت نفت به دستور کار سیاسی، همچنان از منظر تحلیل علمی و نظریه‌محور، کم‌تر مورد واکاوی قرار گرفته است و این امر نه تنها باعث ازدست‌رفتن درک دقیق از این رویداد تاریخی شده بلکه بهره‌گیری از درس‌آموخته‌های آن برای سیاست‌گذاری‌های معاصر را نیز دشوار ساخته است.

**اهمیت:** با توجه به اهمیت فهم چگونگی به‌وجود آمدن سیاست‌های بزرگ، نتایج این تحقیق به ما کمک می‌کنند تا بفهمیم چگونه تلاقی جریان‌ات مختلف می‌تواند منجر به تغییرات بزرگ در سیاست‌های عمومی شود. فهمیدن اینکه چگونه ترکیب مشکلات، پیشنهادات سیاستی و تحولات سیاسی منجر به تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفت شد، می‌تواند کمک کند تا راهبردهای مؤثرتری برای حل مسائل فعلی طراحی شود. بهره‌گیری از چهارچوب جریان‌ات چندگانه کینگدان می‌تواند امکان تحلیل ساختارمند این فرایند را فراهم آورده و پاسخی به ضعف‌های موجود در تحلیل‌های سیاستی و تاریخی ارائه دهد و بنابراین واجد اهمیت نظری - راهبردی می‌باشد.

**ضرورت:** ضعف در شناخت عمیق و نظام‌مند از چگونگی ورود ایده‌های سیاستی به دستور کار و تعامل میان جریان‌ات مشکل، سیاستی و سیاسی، به‌ویژه در تحولات سرنوشت‌سازی نظیر ملی‌شدن صنعت نفت، منجر به تحلیل‌های سطحی در حوزه سیاست‌گذاری شده است. ملی‌شدن صنعت نفت ایران به‌عنوان نمادی از مبارزه برای استقلال اقتصادی و سیاسی، در تقاطع سیاست‌های داخلی، فشارهای خارجی و مطالبات عمومی قرار دارد و تحلیل این رویداد، مستلزم بهره‌گیری از چهارچوب‌های نظری دقیق است. چهارچوب جریان‌ات چندگانه کینگدان با ارائه رویکردی نظام‌مند برای بررسی

تلاقی جریانات مذکور، امکان درک بهتری از عوامل مؤثر در گشایش پنجره‌های فرصت را فراهم می‌کند.

**اهداف:** هدف اصلی پژوهش حاضر، استفاده از چهارچوب جریانات چندگانه کینگدان برای فهم سیاست‌های کلان تاریخی کشور است و اهداف فرعی نیز شامل فهم چندبعدی از چگونگی ورود ایده ملی شدن نفت ایران به دستور کار سیاسی از طریق نظریه مذکور و تحلیل عواملی است که منجر به تصویب آن شدند، است. پژوهش حاضر به تحلیل این جریانات و نحوه تلاقی آن‌ها برای ایجاد «پنجره فرصت» که به تصویب قانون منجر شد، می‌پردازد.

**سؤال:** پرسش اصلی پژوهش این است که بر اساس نظریه جریانات چندگانه کینگدان، چگونه ایده ملی شدن صنعت نفت ایران وارد دستور کار سیاسی شد؟ پرسش‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: جریان مشکل در ورود ایده ملی شدن صنعت نفت ایران چه بوده است؟، جریان سیاسی در ورود ایده ملی شدن صنعت نفت ایران چه بوده است؟ و جریان سیاستی در ورود ایده ملی شدن صنعت نفت ایران چه بوده است؟

**فرضیه:** تلاقی سه جریان مشکل (مثل بهره‌برداری ناعادلانه از منابع نفتی)، سیاسی (مثل نقش جبهه ملی) و سیاستی (مثل ارائه راه‌حل) با میانجیگری کارآفرینان سیاستی منجر به بازشدن پنجره فرصتی برای تصویب ایده ملی شدن صنعت نفت ایران شده است.

**روش:** پژوهش حاضر از حیث نوع، کیفی و از حیث رویکرد محققان، توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی، و برای تحلیل داده‌ها از روش «نظریه مبنا» (نظریه کینگدان که در بخش مبانی نظری آمده است) استفاده شده است.

## ۱. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده در این زمینه را در دو دسته می‌توان بررسی نمود:

### ۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

اگرچه تاکنون مقاله‌ای در رابطه با این موضوع در نشریه دانش سیاسی منتشر نشده است؛ اما یک مقاله مرتبط درباره ملی شدن صنعت نفت ایران منتشر شده است. کشاورز شکری و سالم (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی زمینه‌های ساختاری و عوامل

کارگزاری در نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران و انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. این مقاله از نظر نظریه‌های مورد استفاده و همچنین گستردگی ابعاد مورد بررسی (مانند جریان مشکل، جریان سیاسی، جریان سیاستی و نقش کارآفرینان سیاستی) با مقاله حاضر تفاوت دارد.

## ۲-۱. پیشینه موضوع در سایر منابع علمی

با توجه به موضوع مورد پژوهش، پیشینه در سایر منابع علمی را از دو حیث متونی که به موضوع ملی شدن صنعت نفت ایران پرداخته‌اند و متونی که به استفاده از نظریه کینگدان در تحلیل‌های خود پرداخته‌اند، تفکیک کرده‌ایم:

**الف. متونی که به موضوع ملی شدن صنعت نفت ایران پرداخته‌اند:** در رابطه با ملی شدن صنعت نفت ایران پژوهش‌های متنوعی انجام شده است که در اینجا به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

مشیرزاده و خانلرخانی در پژوهش خود به دلیل مذاکرات جدی و طولانی میان نمایندگان دولت ایران و طرف‌های غربی، از ملی کردن نفت به عنوان اولین تجربه حضور جدی ایران در عرصه سیاست بین‌الملل یاد می‌کنند و هدف پژوهش را بررسی چگونگی امکان‌پذیری تکوین و تداوم ملی کردن نفت در دولت مصدق به رغم وجود تهدیدات مادی بیان می‌دارند و نشان دادند که با شکل‌گیری پيله ادراکی در قالب ساخت خویشتن و حوزه سوژگی در رابطه با دشمن نزدیک و دور و در تداوم آن، تکوین هویت مقاومت و سیاست شرم که سبب عزت‌جویی شد، امکان‌گريز از ملی کردن نفت وجود نداشت (مشیرزاده و خانلرخانی، ۱۳۹۹).

رهدار در پژوهش خود به نقش روحانیت در ملی شدن صنعت نفت ایران می‌پردازد و بر نقش آیت‌الله کاشانی به عنوان رهبر گروه‌های مذهبی تأکید دارد. مقاله ادعان دارد که نقش گروه‌های مذهبی و رهبری روحانیت، زمانی بیشتر آشکار می‌شود که پس از خانه‌نشین شدن آیت‌الله کاشانی و کناره‌گیری همفکران ایشان از نهضت، ملی‌گراها راه به‌جای نبردند و نفت ایران به آمریکا سپرده شد و هدفی جز غارت منابع ایران نداشت (رهدار، ۱۳۸۸).

ناطقی و توفیق در مقاله خود از منظری جامعه‌شناختی به چگونگی تکوین جنبش ملی شدن صنعت نفت، در ایران و شکل‌گیری آن در مناسبات جدید قدرت میان نیروهای درون دولت، جامعه و نظام سرمایه‌داری جهانی می‌پردازند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نهضت ملی در آغاز دهه ۳۰ با گسست از دگردیسی‌های بخش نیروهای اجتماعی در نیمه اول دهه ۲۰ پدید آمد؛ لیکن با سیطره سیاست بازنمایی دولت مرکزی بر دگرسانی‌های ایجابی این نیروها ظرفیت تغییردهندگی این جنبش از توان افتاد (ناطقی و توفیق، ۱۳۹۶).

معتقدی در پژوهش خود به بازنمایی نقش زنان در جنبش ملی شدن نفت تا کودتای ۲۸ مرداد در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ می‌پردازد و اذعان دارد که در یک کلان روایت، زنان نقشی در جنبش ملی شدن نفت بر عهده نداشتند؛ اما در روایت رقیب، زنان در این جریان حضور فعال داشتند و با وجود کم‌مهری دولت مصدق به خواسته آنان، مبنی بر برخورداری از حق رأی، در کنار دولت و مجلس ماندند و در مسیر ملی‌سازی نفت ضمن حضور اجتماعی، به ایفای نقش‌های چندگانه پرداختند (معتقدی، ۱۴۰۲).

ب. متونی که به استفاده از نظریه کینگدان در تحلیل‌های خود پرداخته‌اند: استفاده از چهارچوب جریان‌ات چندگانه کینگدان یکی از مدل‌های مورد استفاده در سیاست‌گذاری عمومی است که پویایی بالایی دارد و به همین دلیل مدل مناسبی برای دسته‌بندی یافته‌های مقالات و سپس تجزیه و تحلیل آن می‌باشد. در این راستا مقالات بسیاری تألیف شده است. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

تمسکی و همکاران به تحلیل قانون اصلاحات ارضی براساس نظریه مذکور پرداختند. نتایج نشان داد که در پی هم‌رخدادی جریان‌های مشکلات ارضی و رابطه مالک و زارع، نیروهای سیاسی داخلی و فشارهای بین‌المللی و فرایند سیاست‌گذاری پنجره فرصت گشوده شده و پس از آن، مسئله در دستور کار حاکمیت قرار گرفته است و کارآفرینان سیاستی از این فرصت برای تصویب پیشنهادهای خود و تسهیل روند تغییرات استفاده کرده‌اند (تمسکی و دیگران، ۱۴۰۱).

امینی رارانی و اسدی با استفاده از این نظریه به مسئله خشونت خانگی و اوج‌گیری آن در زمان شیوع ویروس کرونا پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در رابطه با

خشونت‌های خانگی متعاقب کرونا، علی‌رغم وجود دو جریان مشکل (روند تمایل به خشونت خانگی) و راه‌حل (انواع راه‌حل‌های روان‌شناسی و مراقبت درمانی)، به نظر می‌رسد جریان اراده سیاسی (توجه دولت به این مشکل و درک صحیح از مشکل و پیامدهای منفی آن) به‌خوبی شکل نگرفته است (امینی رارانی و اسدی، ۱۴۰۰).

کیانی و تاجور (۱۳۹۶) با استفاده از مدل جریان‌ات چندگانه به تحلیل سیاست ترویج زایمان طبیعی در طرح تحول سلامت پرداختند. نتایج نشان داد نقش رسانه‌ها در افشای آمار بالای سزارین (جریان مشکل)، حمایت متخصصان (جریان سیاستی)، و پشتیبانی گسترده دولت و نهادهای نظام (جریان سیاسی) باعث گشایش پنجره فرصت و اجرای این سیاست شد.

شیرازی و همکاران (۲۰۲۳) با بهره‌گیری از چهارچوب جریان‌ات چندگانه، احراز هویت الکترونیکی در ایران را بررسی کرده و بر نقش بحران کرونا در گشایش این فرصت تأکید کردند. این مقاله دو عامل اصلی را در ایجاد این گشایش شناسایی می‌کند: نخست، ظهور چالشی پیچیده و جدید (کرونا) که نیازمند نوآوری‌های تازه بود، و دوم، افزایش نگرانی عمومی درباره همه‌گیری. شرایط دشوار ایران، شامل رکود شدید اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، با پیامدهای اجتماعی و اقتصادی این بحران تشدید شد. همچنین، افزایش تقاضای سرمایه‌گذاران برای ثبت‌نام در بورس در قرنطینه، تصمیم‌گیری مقامات را تسریع کرد. در نتیجه، موانع احراز هویت الکترونیکی رفع و تغییر سیاست محقق شد (Shirazi & et al., 2024).

پژوهش‌های متعددی در زمینه ملی‌شدن صنعت نفت ایران انجام شده است که هر یک جنبه‌های تاریخی، ساختاری، و سیاسی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و تلاش‌های بازیگران اصلی را در این فرایند تحلیل کرده‌اند. با این حال، ارزیابی دقیق این پیشینه نشان می‌دهد که بسیاری از این پژوهش‌ها در تحلیل هم‌زمان جریان‌ات مختلف (مشکل، سیاستی و سیاسی) و نحوه تلاقی آن‌ها برای ایجاد یک پنجره فرصت موفق نبوده‌اند. پژوهش حاضر تلاش می‌کند ضمن بهره‌گیری از چهارچوب جریان‌ات چندگانه کینگدان، جریان‌ات مختلف را توصیف کرده و نحوه تلاش کارآفرینان سیاستی برای پیوند این جریان‌ات و استفاده از پنجره فرصت ایجادشده را تحلیل نماید. بدین ترتیب،

پژوهش حاضر نه تنها به گسترش ادبیات نظری در این حوزه کمک می‌کند بلکه تصویری بهتر از فرایند ملی شدن صنعت نفت ارائه می‌دهد.

## ۲. مبانی مفهومی و نظری

از آنجایی که نظریه جریان‌ات چندگانه کینگدان، از پویایی لازم برای تحلیل تغییرات سیاستی در مکان‌ها و زمان‌های مختلف برخوردار است، ما از این چهارچوب در پژوهش خود استفاده کرده‌ایم و پدیده تاریخی قانون ملی شدن صنعت نفت ایران را بر اساس آن تحلیل کرده‌ایم تا ضمن تحلیل جریان‌ات مشکل، سیاسی و سیاستی، به چگونگی ورود این قانون به دستور کار بپردازیم. نظریه جریان‌ات چندگانه اولین بار توسط جان کینگدان در سال ۱۹۸۴ مطرح شد. وی تعیین و اجرای سیاست‌ها را حاصل ترکیب و تلفیق ۳ جریان می‌داند: جریان مسائل و مشکلات، جریان سیاسی و جریان سیاست‌گذاری (عطازاده، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۴) و برای آنکه پنجره فرصتی باز شود، باید این سه جریان باهم تلاقی پیدا کنند، به عبارتی پس از این تلاقی، دریچه‌ای برای راه‌حل مشکل مورد نظر از طریق اتخاذ تصمیم باز می‌شود. این دریچه زمانی باز می‌شود که مشکل به صورت جدی خودنمایی کند (جریان یکم)، از نظر سیاسی مطرح شود (جریان دوم) و راه‌حل‌هایی برای آن ارائه گردد (جریان سوم) (توسلی، ۱۳۸۷، ص. ۸۰) و در نهایت کارآفرینان با تلاش برای به هم پیوستن جریان‌ها در استفاده از فرصت نقش دارند. در ادامه به شرح اجمالی جریان‌ات و باز شدن پنجره فرصت می‌پردازیم.

### ۲-۱. جریان مشکل<sup>۱</sup>

طی این جریان، مشکل مطرح می‌گردد و با توجه به ارزش‌های موجود، انتظارات جامعه تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، سیاست‌گذار در طی این فرایند همه تلاش خود را معطوف به ریشه‌یابی و تعریف مشکل و در نهایت ارائه راه‌حل برای مشکل موجود می‌نماید (توسلی، ۱۳۸۷، ص. ۸۰). چند مؤلفه در این جریان دخیل هستند: رویدادهای جلب توجه‌کننده، شاخص‌ها و بازخورد سیاست (Shirazi & et al., 2023, p. 474). رویدادهای جلب توجه‌کننده، رویداد متمرکزی است که باعث فشار می‌شود و جلب

توجه می‌کند و به علت بحرانی‌بودن، مشکل را پُررنگ‌تر می‌کنند. بحران‌هایی نظیر کرونا، سقوط هواپیما، حوادث طبیعی و... مشکلات گاهی به کمی فشار برای جلب توجه مردم نیاز دارند. این فشار گاهی اوقات توسط یک رویداد متمرکز مانند یک بحران یا فاجعه که برای جلب توجه به مشکل پیش می‌آید، یک نماد قدرتمند که جلب توجه می‌کند، یا تجربه شخصی یک سیاست‌گذار ارائه می‌شود (Kingdon, 2014, p. 95). شاخص‌ها به آمار و ارقام و گزارش‌های آماری کیفی و کمی مرتبط است. علاوه بر نظارت معمول، مطالعات اغلب بر روی یک مشکل خاص در یک مقطع زمانی مشخص، یا توسط یک سازمان دولتی یا توسط محققان انجام می‌شود. چنین مطالعاتی همچنین ممکن است مشکلی را نشان دهد که ممکن است نیاز به توجه دولت داشته باشد (Kingdon, 2014, p. 97). بازخورد خط‌مشی‌های قبلی نیز مهم هستند. چراکه کمک می‌کنند مشخص شود چه کاری مناسب است و مطلوب عمل می‌کند و چه کاری را دولت ممکن است انجام ندهد (عباسی و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۸۳). در روال عادی وقایع، مقامات دولتی در مورد عملکرد برنامه‌های موجود بازخورد دریافت می‌کنند. این بازخورد اغلب مشکلاتی را متوجه آن‌ها می‌کند: برنامه‌هایی که طبق برنامه کار نمی‌کنند، اجراهایی که با تفسیر آن‌ها از دستور قانونی مطابقت ندارد، مشکلات جدیدی که در نتیجه تصویب یک برنامه به وجود آمده‌اند، یا پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ای که باید رفع شود (Kingdon, 2014, p. 100).

## ۲-۲. جریان سیاسی<sup>۱</sup> پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این جریان شامل جو ملی، مبارزات (اقدامات) گروه‌های فشار، نتایج انتخابات، نگرش‌های ایدئولوژیکی یا حزبی در مجلس و تغییرات در مدیریت (جلبه‌جایی در قوه مجریه یا مقننه) است. تغییرات در این جریان تأثیری قوی در تعیین مسائل دستورکارهای دولتی و تصمیم‌گیری دارد (عباسی و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۸۴). طی این جریان، فهرست مسائلی که سیاست‌گذاران باید برای آن‌ها راه‌حل بیابند، توسط مقامات دولتی و رسمی، تنظیم و تدوین می‌گردد. این جریان شامل تعادل بین نیروهای مختلف

موجود در جامعه است و افرادی که در این جریان مؤثر واقع می‌شوند، اغلب برای جامعه شناخته شده هستند (توسلی، ۱۳۸۷، ص. ۸۰). مردم در داخل و اطراف دولت روحیه ملی را نشان می‌دهند. آن‌ها راحت در مورد محتوای آن بحث می‌کنند. این جو ملی از زمانی به زمان دیگر به روش‌های قابل تشخیصی تغییر می‌کند. این تغییرات در خلق و خو تأثیرات مهمی بر برنامه‌های سیاست‌گذاری و نتایج آن دارد (Kingdon, 2014, p. 146). افکار عمومی تحت تأثیر رسانه تحریک‌پذیری بالایی دارد و متأثر از آن می‌تواند جهت‌گیری شود. ایدئولوژی حزبی اشاره به کسانی دارد که مخالف یک پیشنهاد معین، یا موافق و مخالف ظهور یک مورد در دستور کار هستند. تصور آن‌ها مبنی بر اینکه توازن حمایت در برابر یک پیشنهاد متمایل است ممکن است لزوماً مانع از بررسی جدی آن مورد نشود؛ اما نشان‌دهنده بهایی است که برای تلاش برای پیشبرد ایده پرداخت می‌شود (Kingdon, 2014, pp. 150-162). مبارزات گروه‌های فشار نیز به موافقین و مخالفین راه‌حل پیشنهادی اشاره داد که هر کدام با توجه به نفوذ و قدرتی که دارا هستند، تأثیرگذاری متفاوتی بر آن راه‌حل می‌گذارند.

### ۳-۲. جریان سیاستی<sup>۱</sup>

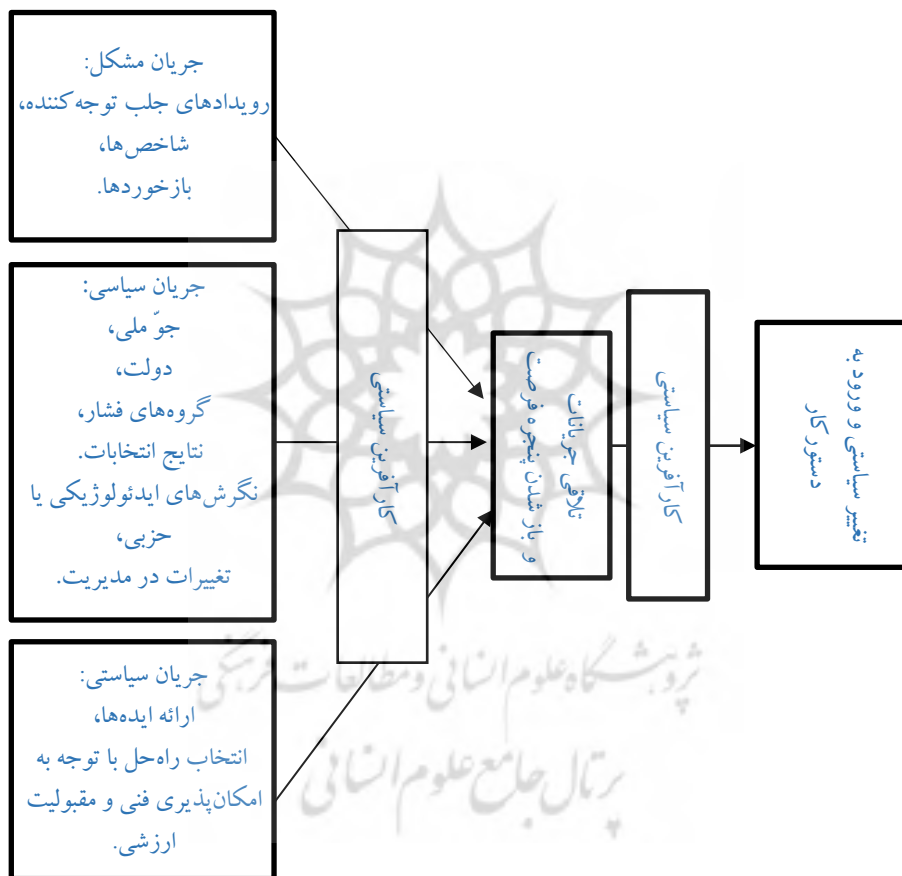
در این جریان راه‌حل‌های مختلفی که سیاست باید از میان آن‌ها انتخاب گردد، تعیین می‌شود. محققان، اهل فن و متخصصان نقش عمده‌ای در جریان مذکور ایفا می‌کنند. بازیگران این جریان برخلاف جریان سیاسی برای همگان آشنا نیستند (توسلی، ۱۳۸۷، ص. ۸۰). در این جریان، راه‌حل‌های مختلفی که خط‌مشی باید از میان آن‌ها انتخاب گردد، تنظیم می‌شوند. در این مرحله لازم است ایده‌ها و راه‌حل‌های پیشنهادی مرحله به مرحله مطرح شوند تا یک سوپ اولیه از آن داشته باشیم. سپس این ایده‌ها به مرور زمان نرم خواهند شد و ایده‌های بهتر برجسته تر می‌شوند و به این طریق وارد مرحله اجرا می‌شوند (Kingdon, 2014, p. 116). در این مرحله نقش کارآفرینان سیاستی در استفاده از فرصت حائز اهمیت است. کارآفرین سیاستی قادر است تا با نشان‌دادن عملی بودن راه‌حل‌ها، هم راستایی آن‌ها با ارزش‌ها، مقبولیت مردمی و مشروعیت سیاسی

بدلیل‌ها، مرجع سیاست‌گذار را به انتخاب راه‌حل مورد نظر حمایت نماید (الوانی، ۱۳۹۵، ص. ۸۹). کارآفرینان سیاستی می‌توانند در داخل یا خارج از دولت، در سمت‌های منتخب یا منصوب، در گروه‌های ذینفع یا سازمان‌های تحقیقاتی باشند؛ اما ویژگی تعیین‌کننده آنها، دقیقاً در مورد یک کارآفرین تجاری، تمایل آنها به سرمایه‌گذاری منابع خود - زمان، انرژی، شهرت و گاهی اوقات پول است (Kingdon, 2014, p. 179). آنها با صرف منابع خود راه‌حل مناسب را از بین راه‌حل‌های موجود برمی‌گزینند و سعی می‌کنند با مراجعه به تصمیم‌سازان با آنها وارد معامله شوند. کینگدان معتقد است که راه‌حل‌ها در واقع، طرح‌ها و برنامه‌هایی هستند که افراد و گروه‌ها برای افزایش منافع خود آماده کرده‌اند و مترصد فرصت‌اند تا آنها را به‌عنوان راه‌حل مسئله و مشکلات عمومی ارائه دهند. این جوهره، همان چیزی است که کینگدان از آن با عنوان تقدم راه‌حل‌ها بر مسائل نام می‌برد (تمسکی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۱۳۴).

#### ۴-۲. پنجره فرصت<sup>۱</sup>

براساس مدل جریان‌های چندگانه، تصمیم به تغییر سیاست زمانی صورت می‌گیرد که سه جریان مشکل، خط‌مشی و سیاسی در موقعیت‌های مهم زمانی به همدیگر پیوندند. کینگدان این لحظه‌ها و موقعیت‌ها را دریچه‌های خط‌مشی می‌نامد و آنها را فرصت‌های زودگذر شناسایی می‌کند که خط‌مشی‌گذاران برای مطرح کردن راه‌حل‌های خود و یا جلب توجه عامه به مشکلات خاصی دفاع می‌کنند. مشکلات زمانی مطرح می‌شوند که کارآفرینان خط‌مشی از این دریچه‌ها برای تعقیب اهدافشان استفاده می‌کنند. دریچه‌ها با الزام‌آور و پُررنگ کردن مشکلات و یا رویدادها، در جریان سیاسی باز می‌شوند (عباسی و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۸۵). پس از بازشدن پنجره فرصت و استفاده از آن، تغییر سیاستی صورت گرفته و ایده وارد دستور کار می‌شود (نمودار ۱). چنانچه هر یک از سه جریان فوق نتواند به‌طور شایسته‌ای با دیگر جریان‌ها، همگرا و ترکیب شود؛ اجرای سیاست را با گونه‌ای نقص و ناهماهنگی مواجه می‌سازد. همان‌گونه که یک سیاست

درست، با تلاقی سه جریان موجود اتخاذ می‌شود؛ اجرای آن نیز نیاز به همگرایی میان مشکل شناخته شده و راه‌حل ارائه شده با نیروهای سیاسی و همچنین متخصصانی دارد که از میان راه‌حل‌های گوناگون، سیاست مورد نظر را انتخاب می‌نمایند. همه تلاش‌ها در سه جریان فوق برای این است که تصمیم و سیاستی اتخاذ گردد تا اجرا شده و به تحقق بپیوندد (توسلی، ۱۳۸۷، ص. ۸۱).



شکل (۱): چهار چوب جریانات چندگانه کینگدان

### ۳. تحلیل یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تلاقی و پیوند جریانات مشکل، سیاسی و سیاستی با

نقش آفرینی کارآفرینان سیاستی، منجر به ایجاد پنجره فرصتی برای ملی‌شدن صنعت نفت ایران و ورود آن به‌دستور کار سیاستی و درنهایت تصویب این قانون شده است. در ادامه به تفکیک به هریک از جریانات خواهیم پرداخت.

### ۱-۳. طرح موضوع نفت به‌مثابه مشکل در جامعه ایران

در مورد ملی‌شدن صنعت نفت ایران، چندین مشکل عمده وجود داشت که با ارائه شاخص‌ها و گزارش‌های آماری می‌توان آن‌ها را تبیین کرد. از بُعد اقتصادی؛ بهره‌برداری ناعادلانه از منابع نفتی، وضعیت اقتصادی نامطلوب و نابرابری‌های اجتماعی در برجسته‌سازی مشکل دخیل بودند. بهره‌برداری ناعادلانه از منابع نفتی از مشکلات عمده محسوب می‌شود. طبق گزارش‌ها، سهم ایران از درآمد نفتی بسیار کم‌تر از ارزش واقعی نفت استخراج شده بود؛ به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۵۰، از ۱۱۲ میلیون دلار درآمد ناخالص نفت، سهم ایران تنها ۲۸ میلیون دلار بود که حدود ۲۵ درصد از درآمد نفتی را تشکیل می‌داد. همچنین قراردادهای نفتی مثل قرارداد داریسی (۱۹۰۱) و قرارداد ۱۹۳۳ به نفع شرکت‌های خارجی بود. قراردادهای ناعادلانه با شرکت نفت ایران و انگلیس (AIOC) که سهم ایران از درآمد نفتی را بسیار کم تعیین می‌کرد، موجب نارضایتی عمومی شد؛ به‌عنوان مثال، سهم ایران از سود خالص نفت در سال ۱۹۵۰ تنها ۱۶ درصد بود که در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی بسیار پایین بود (کشاورز شگری و سالم، ۱۳۹۶، ص. ۶۷). مسئله بعدی فقر و نابرابری اجتماعی بود. در دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰، بخش بزرگی از جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کردند. براساس تخمین‌های آن زمان، حدود ۶۰-۷۰ درصد جمعیت روستایی و ۴۰-۵۰ درصد جمعیت شهری در شرایط فقر بودند. همچنین ضریب جینی که نشان‌دهنده نابرابری درآمدی است، در ایران بسیار بالا بود. تخمین‌ها نشان می‌دهد که در دهه ۱۹۵۰، ضریب جینی ایران بالای ۰.۵ بود که نشان‌دهنده نابرابری شدید درآمدی است. در دهه ۱۹۵۰، اقتصاد ایران تحت تأثیر بهره‌برداری ناعادلانه از منابع نفتی قرار داشت. نرخ بیکاری بالا، تورم و فقر گسترده از جمله مشکلات اصلی بودند. براساس گزارش‌های بانک جهانی، در این دوره حدود ۶۰ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کردند. نارضایتی عمومی در این دوره

روبه افزایش بود به طوری که در دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰، اعتراضات و تظاهرات گسترده‌ای علیه شرکت نفت ایران و انگلیس و سیاست‌های دولت برگزار شد. بعد دیگر مسئله، سیاسی بود. تا قبل از انعقاد قرارداد داریسی با مظفردالدین شاه و بعدها تشکیل شرکت نفت ایران - انگلیس، حضور انگلستان در ایران، بیشتر بر اساس رقابت با روسیه و تأمین مطامع سیاسی آن قابل ارزیابی بود؛ اما نفت، روابط ایران و انگلیس را وارد مرحله‌ای راهبردی کرد. از یک سو وابستگی و نیاز آن‌ها به نفت ایران، دولت‌های انگلیس را به دخالت مؤثرتر در امور داخلی ایران واداشت و از سوی دیگر ایران را به این کشور وابسته‌تر کرد (نائیبیان، ۱۳۷۸، صص. ۵۶-۶۵). این امر به نحوی بود که عملکرد شرکت نفت ایران و انگلیس نمونه کلاسیک یک تشکیلات در محاصره بیگانه است؛ صنعتی ساخته و پرداخته خارجی که بر اقتصادی کاملاً متفاوت تحمیل شده، بی آنکه هیچ گونه رابطه اقتصادی واقعی بین آن و دیگر جنبه‌های اقتصادی کشور وجود داشته باشد. انگلیسی‌ها این احساس را داشتند که ایران بدون برخورداری از پشتیبانی آن‌ها چیزی بیش از یک سرزمین عقب‌افتاده صحرائی نیست (Bharier, 1971, pp. 56-66). وضعیت زمانی بدتر شد که از خانه ریچارد سدان نماینده شرکت، اسنادی کشف شد که نشان می‌داد دولت انگلستان در چه سطح و با چه عمقی در امور داخلی ایران فعال بوده است (رائین، ۱۳۵۸، صص. ۵۲-۶۶، موحّد ۱۳۷۸، صص. ۱۱۱-۱۶۵)؛ بنابراین یکی دیگر از ابعاد مسئله، عدم استقلال سیاسی و مداخله انگلیس در حاکمیت ملی ایران بود. محمد مصدق در آذر ۱۳۳۱ در این زمینه می‌گوید: «آنان که مبارزه مقدس ما را با مقیاس آنچه که از لحاظ شرایط اقتصادی عایدمان شده می‌سنجند و این مبارزه را دست‌کم می‌گیرند و یا استقلال را در مقایسه با چند میلیون پوند ارزیابی می‌کنند، مرتکب اشتباهی بس عظیم می‌شوند. آزادی و حاکمیت ایران چیزی نیست که در معرض حراج گذارده شده باشد» (حسینی، ۱۳۸۹، ص. ۴). یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در جریان مسئله چهارچوب کینگدان مورد توجه قرار می‌گیرد، بازخورد سیاست است. ناکارآمدی سیاست‌های نفتی ناشی از نتایج منفی قراردادهای نفتی پیشین یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تشخیص مشکل بود. بازخورد منفی از قراردادهای نفتی، به‌ویژه قرارداد ۱۹۳۳ که نتوانست منافع عادلانه‌ای برای ایران فراهم کند، به‌عنوان یک بازخورد مهم در جریان مشکل عمل کرد.

بازخورد منفی ناشی از توزیع ناعادلانه درآمد نفتی و ناتوانی در بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز فشار بر سیاست‌گذاران را برای تغییر سیاست‌ها افزایش داد. در قراردادهای مختلف نفتی میان ایران و انگلیس، سهم ایران از منابع نفتی بسیار ناچیز بوده و عدم شفافیت در محاسبه سود وجود داشت (پیروز، ۱۴۰۰، ص. ۲، ماسلی، ۱۳۶۵، صص. ۱۰۰-۱۱۱). این موارد نشان می‌دهند که چگونه بازخوردهای منفی از سیاست‌های نفتی، به‌ویژه در زمینه توزیع منابع و قراردادهای نفتی، به‌عنوان عامل محرکی برای ایجاد تغییرات سیاسی عمل کرده‌اند.

### ۳-۲. نقش عوامل سیاسی و اجتماعی در فرایند ملی‌شدن صنعت نفت ایران

عوامل سیاسی و اجتماعی مختلفی ذیل جریان سیاسی در فرایند ملی‌شدن صنعت نفت ایران نقش داشته‌اند:

#### ۳-۲-۱. دولت و مجلس

مصدق با حمایت مردمی و نمایندگان مجلس، موفق به تصویب قانون ملی‌شدن نفت شد. مجلس شورای ملی نیز نقش اساسی در تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفت داشت. نمایندگان مجلس با حمایت از مصدق و تصویب قانون ملی‌شدن نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، این هدف را به واقعیت تبدیل کردند. کلیه فعالیت‌هایی که در راه ملی‌شدن صنعت نفت انجام گرفت، در مجلس دوره شانزدهم شکل گرفت. در ۲۸ مرداد ۱۳۲۹ دکتر مصدق رهبر جبهه ملی و رئیس کمیسیون نفت‌نامه پُرشور آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی را دایر بر ملی‌شدن صنعت نفت قرائت کرد. آیت‌الله کاشانی در نامه خود تأکید کرده بود که نفت ایران متعلق به ملت ایران است و بلید ملی شود. در ۴ آذر ۱۳۲۹ مصدق به‌عنوان رئیس جبهه ملی پیشنهاد ملی‌شدن نفت ایران را قرائت کرد (غفاریان، ۱۳۸۹، ص. ۲۸).

#### ۳-۲-۲. گروه‌های نفوذ

گروه‌های نفوذ از جمله جبهه ملی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جریان سیاسی محسوب می‌شدند. جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق یکی از گروه‌های اصلی بود که برای

ملی شدن نفت تلاش کرد. این گروه شامل ائتلافی از احزاب ملی‌گرا و مذهبی بود که با هدف پایان دادن به نفوذ خارجی در ایران فعالیت می‌کردند. از دیدگاه جبهه ملی، شرکت نفت انگلیس و ایران نمادی آشکار از امپریالیسم استثمارگر بریتانیا و منبع اصلی بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی به‌شمار می‌رفت. جبهه ملی، با توجه به جنبش‌های ملی‌گرا در سراسر جهان، مسئله نفت را فرصتی مناسب برای ایجاد اتحاد میان مردم و برانگیختن اعتراضات آنان نسبت به «نظم کهن» حاکم می‌دانست. این اعتراضات که علیه سلطه شرکت نفت انگلیس و ایران شکل گرفته بود، ابزاری برای فروپاشی پایه‌های استعمار طولانی مدت و بازگرداندن حاکمیت ایران تلقی می‌شد (کشاورز شکری و سالم، ۱۳۹۶، ص. ۸۰). انتخابات مجلس شانزدهم در سال ۱۹۴۹ به مصدق و حامیانش فرصت داد تا قدرت سیاسی خود را افزایش دهند و اهداف خود را پیش ببرند. دوره شانزدهم مجلس شورای ملی (۱۳۲۸-۱۳۳۰ش)، از جمله مهم‌ترین و اثرگذارترین مجالس دوره پهلوی دوم بود که باعث خلق بزرگ‌ترین ائتلاف نیروهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران به نام «جبهه ملی» شد. اعضای آن با تحصن در کاخ سلطنتی به دلیل عدم انتخابات آزاد، نه تنها زمینه ورود دکتر مصدق به مجلس شانزدهم را فراهم کردند بلکه با همبستگی و اتحاد توانستند ملی شدن صنعت نفت را نیز در این دوره از مجلس رقم بزنند (ترابی پور و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۳۷۰۴). در این انتخابات، مصدق و حامیانش موفق به کسب تعداد قابل توجهی از کرسی‌های مجلس شدند.

### ۳-۲-۳. مبارزات سیاسی

همچنین مبارزات سیاسی شدید بین طرفداران ملی شدن نفت و مخالفان آن، مانند شاه و گروه‌های محافظه‌کار، بخشی از جریان سیاسی بود. مصدق با استفاده از حمایت مردمی و روش‌های قانونی، توانست مخالفان را شکست دهد.

### ۳-۲-۴. نگرش‌های ایدئولوژیک یا حزبی در مجلس

تأثیر نگرش‌های ایدئولوژیک یا حزبی در مجلس نیز در اینجا قابل ذکر است. نمایندگان ملی‌گرا در مجلس شورای ملی نقش مهمی در تصویب قانون ملی شدن نفت داشتند. این نمایندگان با باور به استقلال ملی و پایان دادن به نفوذ خارجی از مصدق حمایت کردند.

همچنین حزب توده به‌عنوان یک حزب چپ‌گرا و طرفدار شوروی، نقش مهمی در بسیج کارگران و طبقات پایین جامعه داشت. هدف این حزب، تبدیل ساختار دولت به یک جمهوری سوسیالیستی از طریق رهبری انقلابی پیشرو بود. این رهبری، به‌عنوان بخشی از طبقه کارگر، در نتیجه فرایند دیالکتیکی مبارزه طبقاتی به آگاهی طبقاتی دست می‌یافت. در چهارچوب نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، حزب توده نماینده و تجلی اندیشه کمونیستی به‌شمار می‌رفت (کشاورز شکری و سالم، ۱۳۹۶، ص. ۸۰). اگرچه هدف نهایی حزب توده ممکن است با جبهه ملی تفاوت داشته باشد؛ اما در مراحل اولیه، این حزب از ملی‌شدن نفت حمایت کرد. در این میان رزم آرا به مخالفت از ملی‌شدن نفت ایران پرداخت و منجر به تنش میان وی و جبهه ملی در بهمن ماه ۱۳۲۹ شد. در اینجا باید از نقش مهم فدائیان اسلام در مقابله با رزم‌آرا و تقویت ایده ملی‌شدن یاد کرد. فدائیان اسلام در مراحل اولیه نهضت در پیشبرد نهضت و رفع موانع آن گام‌های مؤثری برداشت. فدائیان اسلام در ابتدای نهضت ملی با هدف مشترک نفی سلطه بیگانه با ائتلاف میان نیروهای ملی مذهبی با مشی مسلحانه در مبارزات نهضت ملی شرکت جسته و عملکرد آن‌ها در راستای هم‌افزایی و همگرایی کنشگران سیاسی بود (صدری و دیگران، ۱۳۹۸، صص. ۱۰۲-۱۰۶).

### ۵-۲-۳. جوّ ملی<sup>۱</sup>

یکی دیگر از مؤلفه‌های جریان سیاسی کینگدان، «جو (خلق و خوی) ملی» است. احساسات ملی در سال‌های منتهی به ۱۳۲۹ به‌شدت مخالف سازوکارهای موجود و خواهان ملی‌شدن نفت ایران بود. این در حالی بود که تمرکز هزاران کارگر در مناطق جنوبی در شرایط بد اقتصادی و معیشتی، سرانجام به متشکل شدن آن‌ها و اعتصابات کارگری انجامید که مقابله جدی شرکت نفت ایران و انگلیس را نیز به‌دنبال داشت. کارگران خواهان افزایش دستمزد، مسکن و امکانات بهداشتی بودند (علم و کاشانی، ۱۳۹۵، صص. ۱۷۰-۱۷۵). اتحادیه کارگران خوزستان در روز کارگر سال ۱۳۲۵ راهپیمایی باشکوهی ترتیب داد. سخنگویان این مراسم خواستار دستمزدهای بیشتر،

مسکن مناسب، پرداخت دستمزد برای روزهای جمعه، هشت ساعت کار روزانه و قانون کار جامع شدند. یک سخنران زن، نفت را طلای ایران توصیف کرد و مسئولان انگلیسی شرکت نفت را متهم ساخت که برای غذای سگ‌ها بیشتر از دستمزد کارگران خرج می‌کنند و خواستار خلع ید از شرکت نفت انگلیس شد. شاید این نخستین بار بود که در یک سخنرانی عمومی در آبادان، فریاد ملی کردن — نفت شنیده می‌شد. جنبش قلمروزدایی توسط اتحادیه‌های کارگری در نیمه اول دهه ۱۳۲۰ منجر به سازمان‌دهی یکصدوسی اعتصاب بزرگ صنعتی در سراسر ایران گردید. مبارزات آزادی‌خواهانه در چهارچوب همین جنبش، دولت قوام را واداشت تا در اردیبهشت ۱۳۲۵ پیشرفته‌ترین قانون کار در خاورمیانه را به تصویب هیئت وزیران برساند (ناطق‌ی و توفیق، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۹). در اسفند ۱۳۲۹ مبلغی از حقوق کارگران شرکت نفت کسر گردید که سبب شد جرقه اعتصابات در این مناطق زده شود. کارگران در مقابل کسر حقوق خود، شرکت نفت را مسئول ایجاد آشوب در مناطق نفتی می‌دانستند. حزب توده با سیاست دوگانه سعی می‌کرد کارگران را متشکل کند و جبهه ملی و سران آن سعی در ایجاد آرامش در مناطق نفتی داشتند. شرایط بد اقتصادی و معیشتی از جمله زمینه‌های ایجاد تحرکات کارگری در مناطق نفت خیز جنوب به‌شمار می‌آمد و در این میان موقعیت حساس این مناطق به‌دلیل مبارزه برای ملی کردن نفت سبب شده بود تا تحولات این مناطق مورد توجه قرار بگیرد (علم و کاشانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۸). خلق و خوی ملی در دوران ملی شدن نفت، نشان از نارضایتی عمومی داشت. نارضایتی گسترده از بهره‌برداری ناعادلانه از منابع نفتی و شرایط اقتصادی نامناسب، مردم را به سمت حمایت از ملی شدن نفت سوق داد. احساسات ملی‌گرایانه و ضداستعماری در میان مردم ایران در دهه ۱۹۵۰ به‌شدت قوی بود و حمایت از ملی شدن صنعت نفت را افزایش داد. نظرسنجی‌های آن زمان نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد مردم ایران در اوایل دهه ۱۹۵۰ از ملی شدن صنعت نفت حمایت می‌کردند. این نشان‌دهنده نارضایتی گسترده مردم از وضعیت موجود بود. حمایت گسترده مردمی از ملی شدن نفت و تظاهرات و اعتصابات مردمی نقش مهمی در فشار بر سیاست‌گذاران برای تحقق این ایده داشت.

### ۳-۳. از طرح ایده‌ها تا تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفت ایران

در فرایند سیاست‌گذاری، ایده‌های مطرح شده باید از چندین مرحله عبور کنند تا به سیاست رسمی تبدیل شوند. این مراحل شامل بررسی‌ها، بحث‌ها و ارزیابی‌های مختلف است. ایده‌های مختلف درباره ملی‌شدن نفت و نحوه مدیریت آن در مجلس شورای ملی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نمایندگان مجلس به‌خصوص نمایندگان جبهه ملی به رهبری مصدق، از ایده ملی‌شدن نفت حمایت کردند. کارشناسان و محققان اقتصادی و سیاسی نیز گزارش‌ها و تحقیقات خود را درباره تأثیرات مختلف سیاست‌های نفتی ارائه کردند. این گزارش‌ها به تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران کمک کرد. همچنین دولت ایران تلاش‌هایی برای مذاکره با شرکت نفت ایران و انگلیس (AIOC) انجام داد؛ اما به دلیل عدم توافق بر سر شرایط جدید، این مذاکرات ناکام ماند. با مخالفت‌های شدید رزم آرا در مجلس در مخالفت با ملی‌شدن نفت و عدم طرح، دکتر مصدق قطع مذاکره با دولت را اعلام کرد و ملی‌شدن نفت را در دستور کار کمیسیون نفت قرار داد. در فرایند ملی‌شدن صنعت نفت ایران، ایده‌های مختلفی درباره نحوه مدیریت منابع نفتی و نحوه مقابله با نفوذ خارجی مطرح شدند. ایده‌های مطرح شده در آن زمان، ملی‌کردن صنعت نفت، مذاکره با شرکت نفت ایران و انگلیس و کنترل دولتی بر نفت بود. یکی از مهم‌ترین ایده‌ها که به تدریج به سیاست رسمی تبدیل شد، ایده ملی‌کردن صنعت نفت بود. این ایده توسط دکتر محمد مصدق و جبهه ملی مطرح شد و هدف اصلی آن پایان دادن به بهره‌برداری ناعادلانه خارجی از منابع نفتی ایران بود. دکتر مصدق در لایحه دفاعیه‌ای که در دی ماه ۱۳۳۴ شمسی به دیوان عالی کشور فرستاد، پیشنهاد ملی‌کردن نفت را به دکتر فاطمی نسبت داد. به بیان مصدق، تز ملی‌کردن نفت را شهید راه وطن (به تعبیر دکتر مصدق) دکتر حسین فاطمی در ذهن او انداخت. با این استدلال حقوقی که به جای چالش مستقیم با شرکت نفت انگلستان و ایران، کل صنعت نفت را ملی اعلام کنیم تا شرکت نفت ایران و انگلیس بلا موضوع شود. مصدق پیشنهاد فاطمی را مفید دید که روند کار را سهل می‌کرد. به این ترتیب که نیازی به اثبات بطلان قرارداد ۱۹۳۳ میلادی نبود. در آغاز با اعلام ملی‌شدن نفت مبنایی پی‌ریزی می‌شد که به‌طور طبیعی قراردادهایی که همسو با آن نبودند نمی‌توانستند ابقا

شوند. فاطمی پیشنهاد خود را در یکی از جلسات هفتگی اعضای جبهه ملی مطرح کرد و مورد موافقت قرار گرفت (عباسی قیداری، ۱۴۰۰، ص. ۲). برخی سیاست‌گذاران و کارشناسان بر این باور بودند که بهتر است با شرکت نفت ایران و انگلیس مذاکره و قراردادهای جدید و منصفانه‌تری منعقد شود. این ایده نیز در میان برخی نمایندگان مجلس و دولت مطرح شد. ایده کنترل دولتی بر نفت و افزایش سهم دولت ایران از درآمدهای نفتی نیز مطرح شد. این ایده به دنبال حفظ برخی از جنبه‌های مشارکت خارجی بود؛ اما با شرایط بهتری برای ایران. اما آبراهامیان اعتقاد دارد که این‌طور نیست. اساساً هیچ توافقی قابل حصول نبود چراکه مناقشه بر سر این بود که چه کسی کنترل صنعت نفت (اکتشاف، تولید، استخراج و صادرات) را برعهده داشته باشد. از نظر ایران، ملی شدن به معنای کنترل حاکمیت بود و از دیدگاه شرکت نفت، ملی شدن صنعت نفت به معنی از دست دادن کنترل غرب بر نفت بود، چیزی که در آن زمان غیرقابل قبول بود. آن‌ها تنها با یک «ملی شدن» اسمی و ظاهری موافق بودند. نه آمریکایی‌ها و نه بریتانیایی‌ها به هیچ وجه برای ملی شدن واقعی نفت ایران آمادگی نداشتند (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص. ۱۱۱-۱۱۹). یکی از عواملی که نقش تلطیف ایده ملی شدن نفت را در سطح گروه‌های سیاسی و جامعه را ایفا کرد، روزنامه باختر امروز به سردبیری حسین فاطمی بود. راهی را که گفتمان روزنامه باختر امروز برای تحقق ملی شدن صنعت نفت ترسیم می‌کند، از خلال مبارزه جهادی و کودتای نفتی می‌گذرد. تا جایی که ملی شدن صنعت نفت را ذیل واژه‌های مانند مردم‌سالاری، عدالت، قانون و حق حاکمیت، تئوریزه می‌کند. ملی شدن صنعت نفت در گفتار روزنامه باختر امروز حول حق مردم، ثروت ملی، حقوق ملی، عدالت و استقلال — آزادی می‌چرخد و در چهارچوب قانون باید این حقوق، به رسمیت شناخته شود؛ بنابراین «دیگری» در روزنامه باختر امروز دشمنان و جاسوسان و خیانت‌کاران و استعمارگرانی هستند که ثروت ملی ایران را به غارت برده‌اند (فرج‌اللهی و اسدی، ۱۳۹۹، صص. ۱۵-۱۸). سرانجام پس از بررسی‌ها و بحث‌های فراوان، ایده ملی کردن صنعت نفت به عنوان سیاست رسمی انتخاب و تصویب شد. این سیاست در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ توسط مجلس شورای ملی تصویب شد و به قانون تبدیل شد. از عوامل تأثیرگذار بر اتخاذ این تصمیم می‌توان به رهبری دکتر

مصدق و حمایت مردمی اشاره کرد که پیشنهاد ملی شدن نفت را هم دارای مقبولیت ارزشی می‌کند و هم امکان‌پذیری فنی را برای آن فراهم می‌آورند.

### ۱-۳-۳. کارآفرینان سیاستی ملی شدن صنعت نفت ایران

کارآفرینان سیاستی قادر هستند حساسیت لازم را در سیاست‌گذاران و مردم ایجاد کرده و آنان را متوجه عمق مسئله نمایند. کارآفرین سیاستی در مرحله احساس مشکل، مردم را به حل مسئله مشتاق کرده و محرک سیاست‌گذاران در اتخاذ سیاست‌هایی برای حل مسئله می‌باشند (الوانی، ۱۳۹۵، ص. ۸۹). در فرایند ملی شدن صنعت نفت ایران، کارآفرینان سیاستی نقش حیاتی در بهره‌برداری از فرصت‌ها و اجرای راه‌حل‌های خود ایفا کردند. این افراد با درک دقیق از شرایط و استفاده از نفوذ خود، تغییرات بزرگی را در کشور به وجود آوردند. در ادامه به برخی از این کارآفرینان سیاستی اشاره می‌کنیم:

دکتر محمد مصدق: مصدق به‌عنوان چهره اصلی ملی شدن نفت، از حمایت مردمی و سیاسی برای پیشبرد برنامه‌های خود بهره‌برداری کرد. او با استفاده از نارضایتی عمومی و خواسته‌های ملی‌گرایانه، توانست ائتلاف گسترده‌ای را شکل دهد. مصدق با استفاده هوشمندانه از رسانه‌ها و ارتباطات عمومی، پیام‌های خود را به مردم رساند و حمایت بیشتری جلب کرد. مصدق، برنامه خود را اجرای کامل ملی شدن نفت در سراسر کشور اعلام کرد و طی بخش نامه‌ای انحلال شرکت نفت ایران و انگلیس را به کلیه سازمان‌های اداری اعلام کرد. از اهداف اصلی مصدق می‌توان به اخراج شرکت‌های انگلیسی از ایران، احیای منابع عظیم نفتی کشور، آزادسازی ایران از سلطه قدرت‌های خارجی و ایجاد اقتصادی مستقل از نفت اشاره کرد (قاینی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۸۷۸).

آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی: کاشانی با بهره‌گیری از جایگاه مذهبی خود، توانست حمایت گسترده‌ای را از سوی مذهبیون و عموم مردم جلب کند. او با خطبه‌ها و بیانیه‌های خود، مردم را به حمایت از ملی شدن نفت تشویق کرد. کاشانی توانست گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی را در حمایت از ملی شدن نفت متحد کند که این اتحاد نقش مهمی در پیشبرد این فرایند داشت. کاشانی رهبری متین‌گ‌های پشتیبانی از

جنبش ملی‌شدن صنعت نفت را برعهده داشت و حتی آیت‌الله محمدتقی خوانساری به ملی‌شدن نفت فتوی داد و آیت‌الله سید محمود طالقانی از آن حمایت کرد (غفاریان، ۱۳۸۹، ص. ۲۸). وی ادامه مبارزه برای ملی‌شدن صنعت نفت را واجب شرعی اعلام کرد و از مردم خواست تا پیروزی نهایی مقاومت کنند.

**حسین فاطمی:** وزیر امور خارجه در دولت مصدق و یکی از اعضای برجسته جبهه ملی، نقش مهمی در ملی‌شدن نفت داشت. او به‌عنوان یک دیپلمات توانمند، تلاش کرد تا حمایت بین‌المللی برای اقدامات ملی‌شدن نفت جلب کند و به مقابله با تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی بپردازد. وی به‌عنوان سردبیر روزنامه باختر امروز در مطبوعات درباره ملی‌شدن نفت اطلاع‌رسانی می‌کردند.

**حسین مکی و کریم سنجابی:** این دو نماینده مجلس با بهره‌گیری از موقعیت خود در مجلس شورای ملی، تلاش‌های بسیاری برای تصویب قانون ملی‌شدن نفت انجام دادند. آن‌ها توانستند حمایت بسیاری از نمایندگان را جلب کنند و قانون را به تصویب برسانند. مکی و سنجابی به‌عنوان رابطان بین دولت و مردم، نقش مهمی در انتقال خواسته‌های مردمی به دولت و بالعکس داشتند.

این افراد به‌عنوان کارآفرینان سیاسی، با بهره‌گیری از توانمندی‌ها، منابع و نفوذ خود، توانستند سیاست ملی‌شدن صنعت نفت را به تصویب و اجرا برسانند. هریک از آن‌ها با استفاده از موقعیت‌های خاص خود در عرصه‌های سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی و اجتماعی، به پیشبرد این هدف ملی کمک کردند و در به‌هم‌پیوستن این جریان‌ها تلاش کردند و نقش مهمی در تاریخ معاصر ایران ایفا نمودند.

#### ۴-۳. نقش همگرایی جریان‌ها با بازشدن پنجره فرصت در تصویب قانون ملی‌شدن

##### صنعت نفت ایران

زمانی که این سه جریان در حضور پنجره فرصت به نقطه تلاقی رسیدند، شرایط مناسب برای تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفت فراهم شد. بهره‌برداری ناعادلانه منابع نفتی و افزایش نارضایتی عمومی (جریان مسئله) و روی کارآمدن مجلس طرفدار ایده ملی‌شدن باعث شد تا پنجره فرصتی برای تغییر باز شود. در نتیجه ایده ملی‌شدن نفت به‌عنوان

یک راه‌حل جدی برای حل مشکلات موجود مطرح و در مجلس بررسی شد و حمایت از این ایده توسط دولت مصدق، نمایندگان مجلس و مردم به تصویب این سیاست کمک کرد.

### نتیجه‌گیری

قانون ملی‌شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ نقطه عطفی در تاریخ ایران محسوب می‌شود که تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیقی به همراه داشته است. این مقاله با هدف تحلیل تصویب این سیاست از طریق مدل جریان‌ات چندگانه کینگدان، به بررسی سه جریان مشکل، سیاسی و سیاستی و همگرایی آن‌ها در ایجاد پنجره فرصتی برای ورود به‌دستور کار قانون ملی‌شدن صنعت نفت پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفت ایران ناشی از تلاقی سه جریان اساسی بوده است:

۱- جریان مشکل: آمارهای بهره‌برداری ناعادلانه از منابع نفتی، فقر و نابرابری اجتماعی و نارضایتی عمومی از مهم‌ترین مشکلاتی بودند که بر اساس شاخص‌ها و گزارش‌های آماری به‌شدت احساس می‌شدند. نیاز به راه‌حل‌های فوری باعث شد تا ملی‌شدن صنعت نفت به‌عنوان راه‌حلی مؤثر مطرح شود و توانست حمایت گسترده مردمی را به‌دست آورد. همچنین ابعاد سیاسی مسئله مرتبط با عدم استقلال سیاسی از دیگر نشانه‌های جریان مشکل بود.

۲- جریان سیاسی: این جریان شامل عوامل مختلفی مانند مجلس شورای ملی، جبهه ملی، حزب توده، انتخابات مجلس شانزدهم، نمایندگان ملی‌گرا، حزب توده و بازار است که در فرایند ملی‌شدن صنعت نفت ایران تأثیرگذار بودند.

۳- جریان سیاستی: این جریان با طرح اولیه ایده‌های ملی‌کردن صنعت نفت، مذاکره با شرکت نفت ایران و انگلیس و کنترل دولتی بر نفت آغاز شد. از طریق مذاکرات، چانه‌زنی‌ها، بحث‌ها و مناظرات در مجلس، گزارش‌ها و تحقیقات کارشناسان و تلاش‌های دیپلماتیک، این ایده تکامل یافت. فعالیت‌های روزنام باختر امروز نیز کمک و افری در تلطیف این ایده در سطح گروه‌های سیاسی و جامعه کرد. درنهایت،

به دلیل حمایت مردمی و رهبری قوی دکتر مصدق و همچنین نقش دیگر کارآفرینان سیاسی نظیر آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، حسین مکی، کریم سنجابی و حسین فاطمی، ایده ملی شدن صنعت نفت به سیاست رسمی تبدیل شد و در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، نفت ایران رسماً ملی اعلام شد. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه مشکلات برجسته، ایده‌های سیاست‌گذاری مناسب و حمایت سیاسی لازم به‌طور همزمان به یکدیگر پیوستند و شرایط را برای تصویب قانون فراهم کردند.

### کتابنامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲). کودتا. ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن. ترجمه محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- امینی رارانی، مصطفی و اسدی، لیلا (۱۴۰۰). دستور کارگذاری خشونت خانگی در همه‌گیری کووید-۱۹: کاربردی از مدل جریان‌های چندگانه کینگدان. مجله پرستاری و مامایی، ۱۹(۹)، ۷۵۲-۷۶۱.
- پیروز، کامروز (۱۴۰۰). مصدق و نهضت ملی شدن نفت در ایران. انتشارات عطائی.
- ترابی‌پور، امید؛ بیگدلی، علی و احمدی‌نسب، نعمت (۱۴۰۱). بررسی روند حوادث مجلس شانزدهم با تکیه بر نقش جبهه ملی. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۲).
- تمسکی، احسان؛ محمدی کنگرانی، حنا؛ اشتریان، کیومرث؛ حلی‌ساز، ارشک و نادری، فرشید (۱۴۰۱). تحلیل قانون اصلاحات ارضی بر اساس نظریه جریان‌های چندگانه کینگدان. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۲(۴۳)، ۱۳۰-۱۶۲.
- توسلی، حمید (۱۳۸۷). ارائه هشت مدل عملیاتی در چرخه سیاست‌گذاری برای اجرای مطلوب سیاست‌ها. نشریه راهبرد توسعه، ۴(۳).
- حسینی، میرهادی (۱۳۸۹). پایگاه تاریخی: m-hosseini.ir
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۸). اسناد خانه سدان. تهران: امیرکبیر.
- رهدار، احمد (۱۳۸۸). روحانیت و ملی شدن صنعت نفت. پانزده خرداد، ۲۰(۲۰)، ۴۷-۱۲۸.
- صابری، شیدا و شیخ‌نوری، محمدامیر (۱۳۹۱). بازار و نهضت ملی شدن صنعت نفت. صدری، محمدفاضل؛ زیباکلام، صادق؛ طاهری، ابوالقاسم و ابطحی، مصطفی (۱۳۹۸). بررسی نقش فداییان اسلام در جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران از همگرایی تا واگرایی.

فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۱(۴۴).

عباسی قیداری، ثریا (۱۴۰۰). طراح ملی شدن صنعت نفت. *دنیای اقتصاد*، ۲۸ آذرماه.  
عباسی، طیبه؛ دانایی فرد، حسن؛ آذر، عادل و الوانی، سید مهدی (۱۳۸۹). تبیین تغییر خط‌مشی با استفاده از نظریه جریانات چندگانه کینگدون؛ مطالعه موردی تغییر قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. *سیاست علم و فناوری*، ۳(۲)، ۸۲-۹۸.  
عزازاده، بهزاد (۱۳۹۸). دستورکارها، جایگزین‌ها و سیاست‌های عمومی؛ روش‌شناسی، امکانات نظری و یافته‌ها. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۵(۱)، ۲۰۱-۲۲۵.  
علم، محمدرضا و کاشانی، سکینه (۱۳۹۵). بررسی عملکرد شرکت نفت ایران و انگلیس در مقابل نیروی کار بومی (از ابتدا تا ملی شدن نفت). *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۰(۱۸).

علم، محمدرضا و کاشانی، سکینه (۱۳۹۶). زمینه‌های شکل‌گیری اعتصابات کارگری نفت در خوزستان (۱۳۳۰-۱۳۲۹). *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، ۶(۱۱).  
غفاریان، سیروس (۱۳۸۹). نفت ایران: از آغاز تا ملی شدن. *مجله رشد معلم*، ۲۶(۲۲۵)، ۲۶-۲۹.  
فرج‌اللهی، مسعود و اسدی، عباس (۱۳۹۹). نقش سرمقاله‌های روزنامه باختر امروز در ملی شدن صنعت نفت. *جامعه، فرهنگ و رسانه*، ۹(۳۶).

قاینی، محمدعلی؛ جعفری پابندی، فرشید، پرتوی؛ اصغر و ذوالقدر، مالک (۱۴۰۱). عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر سیاست‌گذاری دولت‌ها (ملی شدن صنعت نفت و انرژی هسته‌ای) بر اساس مدل سیستم‌ها. *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۱۱)، ۷۸۳-۷۹۶.  
کشاورز شکری، عباس و سالم، ملیحه (۱۳۹۷). زمینه‌های ساختاری و کارگزاری نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ایران. *دانش سیاسی*، ۱۴(۱)، ۶۱-۹۰.

کیانی، محمدمهدی و تاجور، مریم (۱۳۹۶). تحلیل دستور کارگذاری سیاست ترویج زایمان طبیعی در طرح تحول نظام سلامت ایران: کاربردی از مدل جریان‌های چندگانه کینگدون. *پژوهش‌های سلامت‌محور*، ۳(۴)، ۳۶۷-۳۷۸.

ماسلی، لئونارد (۱۳۶۵). *نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. انتشارات رسام.

مشیرزاده، حمیرا و خانلرخانی، حسین (۱۳۹۹). امنیت هستی‌شناختی و ملی شدن صنعت نفت در ایران. *سیاست - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۵۰(۴)، ۱۲۶۹-۱۲۹۲.

معتقدی، ربابه (۱۴۰۲). *کنشگران خاموش و میدان سیاست: بررسی نقش زنان در جنبش ملی*

نفت. نشریه تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۱۳(۲)، ۲۹۱-۳۱۳.

موحد، محمدعلی (۱۳۷۸). خواب آشفته نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی. ج ۱، تهران: کارنامه. ناطقی، فرجاد و توفیق، ابراهیم (۱۳۹۶). تبارشناسی جنبش ملی شدن صنعت نفت در ایران تأملی در مناسبات دولت، جامعه و نظام سرمایه‌داری سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲. دولت‌پژوهی، ۳(۱۱).

نائیان، جلیل (۱۳۷۸). پژوهش در مسایل سیاسی، تاریخی نفت ایران. تهران: ثارالله. الوانی، سید مهدی (۱۳۹۵). کارآفرین سیاسی؛ بازیگر تحول آفرین عرصه سیاستگذاری. سیاستگذاری عمومی، ۲(۱)، ۸۱-۹۱.

## References

- Abbasi Gheidari, Soraya (1400). *Tarrah-e Melli Shodan-e San'at-e Naft*. Donya-ye Eqtesad. 28 Azar. (In Persian)
- Abrahamian, Yervand (1392). *Kudeta. 28 Mordad, Sazman-e CIA va Risheh-haye Ravabet-e Iran va Amrika dar Asr-e Modern*. Tarjome-ye Mohammad Ebrahim Fattahi. Nashr-e Ney. (In Persian)
- Alam, Mohammad Reza & Kashani, Sakineh (1395). *Barrasi-ye Amalkard-e Sherkat-e Naft-e Iran va England dar Moghabele Niroo-ye Kar-e Boumi (az Ebteda ta Melli Shodan-e Naft)*. *Pajouheshha-ye Tarikhi-ye Iran va Eslam*. 10(18). (In Persian)
- Alam, Mohammad Reza & Kashani, Sakineh (1396). *Zamineha-ye Shekl-giri-ye Eterazat-e Kargari-ye Naft dar Khuzestan (1329-1330)*. *Pajouheshname-ye Tarikh-haye Mahalli-ye Iran*. 6(11). (In Persian)
- Alvani, Seyyed Mehdi (1395). *Karafarin-e Siasi; Bazigar-e Tahavvol-Afarin-e Arse-ye Siasatgozari*. *Siasatgozari-ye Omumi*, 2(1), 81-91. (In Persian)
- Amini Rarani, Mostafa & Asadi, Leila (1400). *Dasturkar-gozari-ye Khoshunat-e Khanegi dar Hamegiri-ye Covid-19: Karbordi az Model-e Jaryanha-ye Chandgane-ye Kingdon*. *Majale-ye Parastari va Mamayi*, 19(9), 752-761. (In Persian)
- Attazadeh, Behzad (1398). *Dasturkarha, Jaygozin-ha va Siasatha-ye Omumi; Raveshshenasi, Emkanat-e Nazari va Yafteha*. *Siasatgozari-ye Omumi*, 5(1), 201-225. (In Persian)
- Bharier, J. (1971). *Economic development in Iran 1970-1900* (pp. xviii+314).
- Farajollahi, Masoud & Asadi, Abbas (1399). *Naghsh-e Sarmaghaleha-ye Rouzname-ye Bakhtar-e Emrouz dar Melli Shodan-e San'at-e Naft*. *Jame'e, Farhang va Resaneh*, 9(36). (In Persian)
- Ghafarian, Sirius. (1389). *Naft-e Iran: az Aghaz ta Melli Shodan*. *Majale-ye Roshd-e Moallem*, (225), 26-29. (In Persian)
- Ghayeni, Mohammad Ali, Jafari Pabandi, Farshid, Partovi, Asghar & Zolghadr, Malek (1401). *Avamel-e Siasi va Ejtemaei-ye Mo'asser bar Siasatgozari-ye Dowlat-ha (Melli Shodan-e San'at-e Naft va Enerzhi-ye Hastei) bar Asas-e Model-e Systemha*. *Mahname-ye Jame'e Shenasi-ye Siasi-ye Iran*, 5(11), 783-796. (In Persian)

- Hosseini, Mirhadi (1389). *Paygah-e Tarikhi*. m-hosseini.ir (In Persian)
- Keshavarz Shokri, Abbas & Salem, Maliheh (1397). Zamineha-ye Sakhtari va Kargozari-ye Nahzat-e Melli Shodan-e San'at-e Naft va Enghelab-e Eslami-ye Iran. *Danesh-e Siasi*, 14(1), 61–90. (In Persian)
- Kiani, Mohammad Mehdi & Tajvar, Maryam (1396). Tahlil-e Dasturkar-gozari-ye Siasat-e Tarvij-e Zayeman-e Tabi'i dar Tarh-e Tahavvol-e Nezam-e Salamat-e Iran: Karbordi az Model-e Jaryanha-ye Chandgane-ye Kingdon. *Pajouheshha-ye Salamat-e Mehvar*, 3(4), 367–378. (In Persian)
- Kingdon, J. W. (2014). *Agendas, alternatives, and public policies* (2nd ed.).
- Mo'taghehi, Rababe (1402). *Konshgaran-e Khamoush va Meydan-e Siasat: Barrasi-ye Naghsh-e Zanan dar Jonbesh-e Melli-ye Naft*. (In Persian)
- Moshirzadeh, Hamira & Khanlar Khani, Hossein (1399). Amniyat-e Hasti-shenakhti va Melli Shodan-e San'at-e Naft dar Iran. *Siasat – Majale-ye Daneshkade-ye Hoghoogh va Oloum-e Siasi*, 50(4), 1269–1292. (In Persian)
- Mosley, Leonard (1365). *Naft, Siasat va Kudeta dar Khavarmiyaneh*. Tarjome-ye Mohammad Rafiei Mehrabadi. Entesharat-e Rassam (In Persian)
- Movahed, Mohammad Ali (1378). *Khab-e Ashefte-ye Naft: Doktor Mosaddegh va Nahzat-e Melli, Jeld 1*. Tehran: Nashr-e Karnameh (In Persian)
- Naeibian, Jalil (1378). *Pajouhesh dar Masayel-e Siasi va Tarikhi-ye Naft-e Iran, Jeld-e Aval*. Tehran: Nashr-e Sarrallah (In Persian)
- Nateghi, Farjad & Tofigh, Ebrahim (1396). Tabarshenasi-ye Jonbesh-e Melli Shodan-e San'at-e Naft dar Iran: Ta'ammoli dar Monasebat-e Dowlat, Jame'e va Nezam-e Sarmayedari dar Salhaye 1320 ta 1332. *Dowlat Pajouhi*, 3(11). (In Persian)
- Pirouz, Kamrouz (1400). *Mosaddegh va Nahzat-e Melli Shodan-e Naft dar Iran*. Entesharat-e Attayi (In Persian)
- Raeen, Esmail (1358). *Asnad-e Khane-ye Sedan*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Rahdar, Ahmad (1388). Rohaniyat va Melli Shodan-e San'at-e Naft. *Panzeh Khordad*, (20), 47–128. (In Persian)
- Saberi Sheida & Sheikh Nouri, Mohammad Amir (1391). *Bazar va Nahzat-e Melli Shodan-e San'at-e Naft*. (In Persian)
- Sadri, Mohammad Fazel, Zibakalam, Sadegh, Taheri, Abolghasem & Ebtahi, Mostafa (1398). Barrasi-ye Naghsh-e Fadaiyan-e Eslam dar Jaryan-e Melli Shodan-e San'at-e Naft dar Iran az Hamgerayi ta Vagheraayi. *Faslname-ye Motale'at-e Siasi*, 11(44). (In Persian)
- Shirazi, H.; Vahdaninia, V. & Maleki, A. (2024). COVID-19 as an opportunity window for policy change; insights from electronic authentication case study in Iran. *Review of Policy Research*, 41(3), 471-490.
- Tameski, Ehsan, Mohammadi Kangerani, Hananeh, Eshtarian, Keyoumars, Halisaz, Arashk & Naderi, Farshid (1401). Tahlil-e Ghanun-e Eslahat-e Arzi bar Asas-e Nazariye-ye Jaryanha-ye Chandgane-ye Kingdon. *Motale'at-e Rahbordi-ye Siasatgozari-ye Omumi*, 12(43), 130–162. (In Persian)
- Torabi Pour, Omid, Bigdeli, Ali & Ahmadi Nasab, Nemat (1401). Barrasi-ye Ravand-e Havades-e Majles-e Shanzdahom ba Tekye bar Naghsh-e Jebhe-ye Melli. *Jame'e Shenasi-ye Siasi-ye Iran*. 5(12). (In Persian)